

مجموعه کتابهای مهارت‌های زندگی

دکتر محمد رضا سرگلزایی



خود را دوست دارید؟

سرشناسه : سرگلزایی، محمدرضا، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : خودت را دوست داری؟ محمدرضا سرگلزایی.
 مشخصات نشر : مشهد: همنشین، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۶۰ ص.
 فروست : مجموعه مهارت‌های زندگی؛
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۶۰-۷-۳ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۶۸-۸-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : خودشناسی
 موضوع : خودسازی
 رده بندی کنگره: ۴ ۱۳۹۵ س ۹ خ / ۳ / ۷۲۴ BF
 رده بندی دیویی : ۱۵۵/۲



هفتاد و یکمین شماره
از مجموعه مجله «زنده‌گی»

دکتر محمدرضا سرگازی

ناشر: همنشین

نوبت چاپ: چهارم (اول ناشر) ۱۱۱۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: کامیاب

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۶۸-۸-۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۶۰-۷-۳

مدیر فروش: ۰۹۱۰۲۰۱۲۹۷۰



یادداشتی از یک دوست، به جای مقدمه

شازده کوچولو وقتی سی و هشتم رسید با تعجب به دور و اطراف نگاه کرد. همه جا خیلی شلوغ بود. شازده کوچولو با تعجب از یکی از آدم‌ها پرسید: چرا این همه آدم اینجا ایستاده‌اند. وی گفت: منتظراند. شازده کوچولو گفت: منتظر چه؟ مرد با دست به رو اشاره کرد و گفت: منتظراند تا کسی را که آنجاست ببینند و همان‌جا او حرف بزنند. شازده کوچولو پرسید: چرا؟ مرد به سرعت از او دور شد. شازده کوچولو بدون اینکه پاسخ سؤالش را بگیرد به طرف جایی که مرد اشاره کرده بود به راه افتاد. در آنجا یک نفر شبیه بقیه آدم‌ها نشسته بود. شازده کوچولو مؤدب سلام کرد. مرد پاسخ را داد و گفت اول تو بگو! شازده کوچولو متعجب پرسید: چی بگویم؟ مرد گفت هر چیزی را که برای گفتنش به اینجا آمده‌ای. شازده کوچولو خندید و گفت: آها. خوب ... راستش من

دنبال راهی برای... راهی برای... نه اصلاً ولش کن. و سکوت کرد. سپس دوباره گفت مردم چرا پیش شما می‌آیند؟ مرد خندید و گفت: برای اینکه بگویند و بشنوند. شازده کوچولو گفت چه چیز را. مرد گفت: ندیده‌ها و نشنیده‌ها را و باز خندید. شازده کوچولو پرسید، مگر خودشان نمی‌توانند این کار را بکنند؟ مرد خندید. سپس آهی کشید و گفت: این روزها همه به یاد آدای نیارند من به آن‌ها یادآوری می‌کنم. شازده کوچولو گفت: چه چیزی...؟

شازده کوچولو گفت: هر چه می‌تواند داشته باشد. شازده کوچولو گفت: پس خودت چی، چه کسی به خودت یادآوری می‌کند؟

مرد دوباره خندید و سپس گفت: سرد!

شازده کوچولو دیگر درنگ نکرد و به راه افتاد. اما تمام مدت به مرد

فکر می‌کرد. مردی که تنها با یک طرف صورتش خندان بود!